



## خون‌هایی که تاریخ را به سخن آوردند؛ راز «دم»، «ثار» و «مهجه»

زیارت عاشورا تنها مرثیه نیست. در پس خون‌ها و واژه‌ها، منظومه‌ای از معنا شکل گرفته که شهادت، عدالت و عشق را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. عاشورا نه فقط روایت اندوه، بلکه روایت بیداری است.

زیارت عاشورا تنها مرثیه نیست. در پس خون‌ها و واژه‌ها، منظومه‌ای از معنا شکل گرفته که شهادت، عدالت و عشق را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. عاشورا نه فقط روایت اندوه، بلکه روایت بیداری است.

خبرگزاری مهر، گروه فرهنگ و ادب، طاهره طهرانی: در زبان عربی برای «خون» واژه‌های گوناگونی به کار می‌رود، اما هر یک از این واژه‌ها تنها یک معنای لغوی ساده ندارند. بسیاری از آن‌ها حامل لایه‌هایی از معنا هستند که در بسترهای دینی، تاریخی و عرفانی شکل گرفته‌اند. در میان این واژه‌ها، سه تعبیر «دم»، «ثار» و «مهجه» جایگاهی ویژه دارند؛ واژه‌هایی که در متون زیارتی، به ویژه در ادبیات عاشورایی، معنایی فراتر از اشاره به خون جسمانی پیدا می‌کنند و هر کدام بُعدی از حقیقت واقعه کربلا را بازتاب می‌دهند.

کربلا تنها یک حادثه تاریخی نبود؛ واقعه‌ای بود که در آن، خون به زبان معنا تبدیل شد. در این زبان، خون صرفاً نشانه مرگ نیست، بلکه نشانه حیات، عدالت و فداکاری است. به همین دلیل است که در زیارت‌ها و متون دینی، برای اشاره به حقیقت این حادثه از واژه‌های گوناگون استفاده شده است؛ واژه‌هایی که هر کدام زاویه‌ای از این حقیقت عظیم را روشن می‌کنند.

### سه واژه، سه ساحت از حقیقت عاشورا

«دم» ساده‌ترین و رایج‌ترین واژه برای اشاره به خون است. این کلمه در عربی همان معنای عمومی خون را دارد؛ همان مایع سرخ‌رنگی که در رگ‌های انسان جریان دارد و نشانه حیات جسمانی اوست. در متون عمومی، پزشکی یا روزمره نیز وقتی سخن از خون به میان می‌آید، غالباً از همین واژه استفاده می‌شود.

اما در فضای عاشورا، همین واژه ساده نیز معنایی عمیق‌تر پیدا می‌کند. «دم» در اینجا یادآور خونی است که در صحرای کربلا بر زمین ریخت؛ خون‌هایی که از بدن‌های زخمی جاری شد و خاک داغ بیابان را سرخ کرد. این واژه، نخستین و ملموس‌ترین لایه از روایت عاشورا را بیان می‌کند؛ واقعیت شهادت. در این سطح، عاشورا صحنه‌ای از مظلومیت و فداکاری است؛ جایی که پیکرهای پاک بر خاک افتادند و خون‌هایی که باید در رگ‌های زندگی جاری می‌بود، بر زمین جاری شد.

اما زبان عاشورا در همین سطح متوقف نمی‌شود. در کنار «دم»، واژه‌ای دیگر نیز در متون زیارتی دیده می‌شود که معنایی فراتر از خون جسمانی دارد؛ «ثار». این واژه در اصل به معنای خونی است که برای آن خون‌خواهی وجود دارد؛ خونی که ریخته شده و حقی برای مطالبه آن باقی مانده است.

### خون‌هایی که تاریخ را به سخن آوردند؛ راز «دم»، «ثار» و «مهجه»

در فرهنگ عربی، وقتی گفته می‌شود کسی «ثار» دارد، یعنی خون او بی پاسخ نمانده و کسی مسئول مطالبه عدالت برای آن است. به همین دلیل است که در زیارت عاشورا تعبیر مشهور «یا ثارالله و ابن‌تاره» درباره امام حسین(ع) به کار رفته است. در نگاه نخست، ممکن است این تعبیر به اشتباه «خون خدا» ترجمه شود، اما مقصود آن چنین معنایی نیست. «ثارالله» یعنی خونی که خون خواه آن خداوند است؛ خونی که عدالت الهی مسئول دفاع از آن است.

این تعبیر نشان می‌دهد که واقعه کربلا تنها یک تراژدی انسانی نبود. اگر در ظاهر، گروهی اندک در برابر سپاهی بزرگ ایستادند و به شهادت رسیدند، اما در حقیقت این خون‌ها به مسأله‌ای فراتر از یک درگیری تاریخی تبدیل شد. خون امام حسین(ع) خونی است که در منطق دین، مطالبه عدالت را تا همیشه زنده نگه می‌دارد. از همین روست که در فرهنگ شیعه، عاشورا نه پایان یک قیام، بلکه آغاز یک مسیر تاریخی برای احیای حق و مقابله با ظلم تلقی می‌شود.

در اینجا «ثار» نماد عدالت‌خواهی است؛ نشانه‌ای که خون مظلوم هرگز در تاریخ گم نمی‌شود و همواره صدایی برای مطالبه حق باقی می‌گذارد. به تعبیر دیگر، اگر «دم» روایت شهادت است، «ثار» روایت عدالت است.

اما در کنار این دو واژه، تعبیر دیگری نیز در ادبیات عاشورایی دیده می‌شود که از هر دو عاطفی‌تر و عمیق‌تر است: «مهجه». این واژه را در پایان سجده زیارت عاشورا خوانده ایم: «الَّذِينَ بَدَلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» از منظر لغوی مهجه به «خون دل»، «خون قلب» یا «جان درونی» معنا شده است. مهجه به آن بخش از وجود انسان اشاره دارد که عزیزترین و خالص‌ترین مایه حیات او به شمار می‌آید.

خون‌هایی که تاریخ را به سخن آوردند؛ راز «دم»، «نار» و «مهجه»

در بسیاری از متون زیارتی، این واژه در توصیف فداکاری امام حسین(ع) و یارانش آمده است. برای مثال در زیارت اربعین درباره آن حضرت گفته می‌شود: «و بذل مهجته فیک»؛ یعنی او خون دل و جان خویش را در راه خدا بخشید.

در این تعبیر، سخن تنها از ریخته شدن خون نیست. مهجه به معنای تقدیم عزیزترین سرمایه وجود است؛ یعنی آنچه انسان بیش از هر چیز به آن وابسته است. بنابراین وقتی گفته می‌شود کسی مهجه خود را بخشید، یعنی از مرز یک فداکاری معمولی عبور کرده و تمام هستی خود را در راه حقیقت قرار داده است.

از همین جاست که این واژه وارد ساحت عرفان نیز شده است. در ادبیات عرفانی، «بذل مهجه» تنها یک اصطلاح جسمانی نیست؛ بلکه نشانه فنا و ایثار کامل در راه خداست. سالک در مسیر سلوک، گاه باید از تعلقات، خواسته‌ها و حتی آسایش خود بگذرد. این گذشت در زبان عرفان با تعبیر «خون دل خوردن» یا «بذل مهجه» بیان می‌شود.

در فرهنگ عرفانی، دل جایگاه دریافت حقیقت است. هرچه دل از وابستگی‌های غیرالهی پاک‌تر شود، آمادگی بیشتری برای درک حقیقت پیدا می‌کند. اما رسیدن به این مرحله آسان نیست. بسیاری از عارفان و شاعران فارسی زبان این مسیر دشوار را با تصویر «خون دل» توصیف کرده‌اند؛ تصویری که نشان می‌دهد راه عشق و معرفت با رنج، صبر و مجاهده درونی همراه است.

در شعر فارسی نیز این تعبیر جایگاهی ویژه دارد. شاعرانی چون حافظ و عطار و مولوی بارها از خون سخن گفته‌اند و راه عشق را راهی پر خون و خطر دانسته‌اند؛ مولوی می‌گوید:

عشق از اول سرکش و خونی بود

تا گریزد هرکه بیرونی بود

عطار در یکی از غزلیات خود در باب دستیابی به حقیقت اینطور می‌گوید:

برای جست و جوی این حقیقت

هزاران حلق در دام طناب است

ز درد این سخن پیران ره را

محاسن‌ها به خون دل خضاب است

جوانمردان دین را زین مصیبت

جگرها تشنه و دلها کباب است

تعبیری که بیانگر دشواری راه عشق و جست‌وجوی حقیقت است. در این زبان، خون دل تنها نشانه اندوه نیست، بلکه بهای بیداری و رشد معنوی است. انسان برای رسیدن به حقیقت، باید از سطح ظواهر عبور کند و این عبور گاه با رنج و صبر طولانی همراه می‌شود.

با این نگاه، مفهوم مهجه در متون عاشورایی معنایی بسیار ژرف پیدا می‌کند. وقتی درباره یاران امام حسین(ع) گفته می‌شود که «مهجه خود را فدا کردند»، یعنی آنان تنها در میدان نبرد کشته نشدند؛ بلکه از پیش، دل از همه وابستگی‌ها بریده بودند و آماده بودند تا عزیزترین دارایی خود را در راه حقیقت تقدیم کنند.

خونهایی که تا قیامت می جوشند

در کنار یکدیگر قرار گرفتن این سه واژه، تصویری کامل از حقیقت عاشورا می سازد. «دم» یادآور خون هایی است که در میدان کربلا بر زمین ریخت و واقعیت تلخ شهادت را نشان می دهد. «ثار» نشان می دهد که این خون ها حامل پیام عدالت اند و مطالبه حق در تاریخ را زنده نگه می دارند. و «مهجه» از نهایت عشق و فداکاری سخن می گوید؛ از انسانی که برای حقیقت، حتی از جان خویش نیز دریغ نمی کند.

به همین دلیل است که متن زیارت عاشورا تنها مرثیه نیست. در پس این واژه ها، منظومه ای از معنا شکل گرفته است؛ منظومه ای که شهادت، عدالت و عشق را در کنار یکدیگر قرار می دهد. عاشورا در این نگاه نه فقط روایت اندوه، بلکه روایت بیداری است؛ که قرن ها پس از آن واقعه، هنوز نام حسین(ع) با مفاهیمی چون عدالت، آزادگی و فداکاری پیوند خورده است. خون هایی که در کربلا ریخته شد، تنها فطراتی بر خاک نبود؛ بلکه واژه هایی شدند که تاریخ را به سخن آوردند. واژه هایی که هر کدام پیامی در دل خود دارند: پیام شهادت، پیام عدالت و پیام عشق.

راز ماندگاری عاشورا نیز در همین زبان و همین جهان معنایی نهفته است؛ زبانی که در آن خون، تنها نشانه مرگ نیست، بلکه نشانه حیات معنوی و بیداری انسان هاست. در این زبان، «دم»، «ثار» و «مهجه» سه واژه اند، اما هر کدام دریچه ای به فهم حقیقتی بزرگ تر می گشایند؛ حقیقتی که در صحرای کربلا نوشته شد و هنوز در دل های بسیاری زنده است.